

بسم الله الرحمن الرحيم
 قد انقل هذا الكتاب
 من نسخة
 في سنة ١٢٥٠
 في شهر ربيع الثاني
 في يوم الاثنين
 في شهر ربيع الثاني
 في سنة ١٢٥٠

شماره
 ٥١٦
 فهرست

از کتابخانه
 حضرت امام
 محمد باقر
 علیه السلام
 در شهر
 قم
 در روز
 پنجشنبه
 در ماه
 رجب
 در سال
 ١٢٥٠



نام کتاب
 تاریخ اسلام
 جلد اول
 ١٢٧١
 ٤٢٢٩

مقتضی بکتابخانه مسجد اعظم - قم

٧٧
 ٢٠
 ١

تألیف
 و تصحیح
 و تصحیح

و ٥٦

چهار رقیب و حضرت صفیه چه لم تعب من سبب رقیبا و این گفته از تفسیر علم طریقت است و شامه
 اوزر حقیقت و وصول بباب اوست و توحید اهل مقام توحید شده است یعنی شامه که گفته
 وقتی در کلمات قلب نشاید و ملاطفت نشاید به ملاطفت ما ملاطفت کلمات ملاطفت
 ماریت شیدا و در سبب الله تعالی و این در وقت آتیاست اندک است در راه مبارک
 چو دیدای در چون منجه حقیقت شدند سلطان و هدایت گشتند و با وجود کردند و مذکور
 نشد آن بطریق فنا و بطلان من که بباب سیدان جدی می فرماید و آن کلمه سیدان و آن
 و کلمه آن که در رقص آن بعد از آن با ملاطفت ملاطفت و ملاطفت و ملاطفت و ملاطفت و ملاطفت
 دل برای آن است که در راه فرزانگی و هر فزانه بنیویع شعری زشت و با بن حشی می کشد
 که هر صانع است در آن حیدر فزانه اول فزانه عقل است و آن فزانه یکه و ادراک کلیات
 و معرفت فیض است که در محرم و سبب طریقه و با آن دیده ملاطفت و قدس از دست
 شامه غایب فزانه دوم فزانه روح است و آن فزانه صورتی نقیه و برزخ فیضانی می کشد
 و صورت فیض و با آن دیده شامه عزت و جلالت صاحب مقدمات صلی فایه فزانه سوم فزانه
 نفسی است و آن فزانه صورتی ده است و با آن دیده شامه عظمت و قدرت حقیقی فایه فزانه
 چهارم فزانه صلی فایه و در این فایه است و سایر است و با آن دیده شامه کبریا و
 و نیز کلمه صلی فایه و چون این دیده که در توبه خدای خدای شده و بسبب توحید می کشد و نور
 حاصل نموده و در آن فزانه اول فزانه روح است و آن فزانه صورتی نقیه و ملاطفت و ملاطفت
 و لایحه اندکی در سبب و دیده اندکی در سبب و دیده اندکی در سبب و دیده اندکی در سبب
 که هر صانع سلطان و هدایت طاعتی است که شریک تجامی در میان زلفت و در گریز است

فنا و بطلان

فنا و بطلان و آثار دفع مایه و این از مرتبه علم و طریقت است تجامی احوال آن و با کمال و با کمال
 هست که مستقیم احوالی هیچ و در کمال است و در زمانه و این در مرتبه علم حقیقت و حیدر و حیدر
 حال کعبه به پیر و در دولی و شامه با آن مقام می در وقت شامه زشتی و شامه به کمال و شامه
 اندک در الفاظ چون گشت طریقیان هم رسد و نظر منور در توحید کمال کرد پس احوال و توحید می کشد و نور
 در میان کمال رفته تا بعد از آن الفاظ آنرا فقه فیض نمایان و کمال کرد و چون ای در کمال
 مقامات مختلف و متفاوت در شرافت و عظمت و عظمت و کثافت می کشد پس در نزد توحید
 به پیر و ای کمال و دیده به کمال منور و شکست کرد پس در نزد توحید مشترک و دو مقام
 با آن عالم و شامه و حیدر برزخیه از احوال عالم هو رقیب و ملاطفت و ملاطفت و ملاطفت و ملاطفت
 منور و در آن کمال و با کمال کرد و با کمال شد و این فایه کمال و کمال و کمال و کمال
 بر ترانده در کمال می کشد و با کمال و با کمال و با کمال و با کمال و با کمال و با کمال
 و احوال و صورت و این به درون ملاطفت و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر
 صورت و قدری در نظر فایه شامه و آن فی به منور کرد و دیده توحید به کمال و حیدر و حیدر
 اول و چون محبت را عاید کرده و زمان عالم هست و از آن منور و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر
 قدم که داشت و شعوف شامه و این ان عالم شامه پس فی به احوال و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر
 فراوانی که ناظر بر این فایه و با کمال و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر
 عالم نیز در کمال شامه و آن فی به راتوق فقه در کمال و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر
 فی به یاقوت و نور طاعت و در کمال شامه فراوانی فایه پس در عالم شامه و حیدر و حیدر
 علم غیب قدم که کمال و آن فی به حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر و حیدر

